

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه نوح

استاد ضرابی

جلسه هفتم ۱۴۰۱/۱۰/۱۸

آیات شریفه: «وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا (۲۴) مِمَّا خَطَبَاتِهِمْ أُعْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا (۲۵) وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا (۲۶) إِنَّكَ إِنْ تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا (۲۷) رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا (۲۸)» - همانا بسیاری را گمراه کردند. و [پروردگار!] ستمکاران را جز گمراهی میفزاید. (۲۴) [همه آنان] به سبب گناهانشان غرق شدند و بی درنگ در آتشی درآورده شدند که [از آن] در برابر خدا برای خود یاورانی نیافتند، (۲۵) و نوح گفت: پروردگارا! هیچ یک از کافران را بر روی زمین باقی مگذار (۲۶) که اگر آنان را باقی گذاری، بندگان را گمراه می کنند و جز نسلی بدکار و ناسپاس زاد و ولد نمی کنند. (۲۷) پروردگارا! مرا و پدر و مادرم را و هر کس که با ایمان به خانه ام درآید و همه مردان و زنان با ایمان را بیمارز، و ستمکاران را جز هلاکت میفزاید. (۲۸)»

عنوان: سنت الهی در اضلال بی تقوایان و ستیزه گران با حق و عدالت!

«وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا» حضرت نوح از سردمداران کفر و متولیان بتخانه در نزد خدای خود می نالد که برای گمراه نگاه داشتن مردم نیرنگی بزرگ به کار گرفتند، که به این وسیله بسیاری را گمراه کردند. پس از پروردگار خود می خواهد که به جزای ظلم بزرگشان، بر گمراهی آنها بیفزاید؛ بنابراین آنچه به خدایتعالی از ضلالت، و خدعه، و مکر، و امثال آن نسبت داده می شود، هیچ یک اضلال ابتدائی نیست، بلکه اضلال بعنوان مجازات است؛ مانند اینکه فرمود: «يُضِلُّ بِهٖ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهٖ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهٖ إِلَّا الْفَاسِقِينَ» (بقره/۲۶)، و نیز فرموده: «فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (باز چون (از حق) روی گردانیدند خدا هم دلهای بی نورشان را (از سعادت و اقبال به حق) بگردانید و خدا هرگز مردم نابکار فاسق را هدایت نخواهد کرد. (صف/۵) و همچنین فرمود: «كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ» - بلی این چنین خدا مردم مسرف (ستمگری) را که (در آیات خدا و معجزات رسل) در شک و ریبند به گمراهی و خذلان خود وا می گذارد» (غافر/۳۴) به این معنا که ممکن نیست خداوند قومی را، پس از آن که آنها را هدایت کرد و ایمان آوردند گمراه و مجازات کند؛ مگر آن که اموری را که باید از آن بپرهیزند، برای آنان بیان نماید و آنها مخالفت کنند؛ زیرا خداوند به هر چیزی داناست. و ما كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (توبه/۱۱۵) همان طور که مشاهده می شود سنت الهی در اضلال انسان ها به سبب پیروی از شیطان است: «كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ فَإِنَّهُ يُضِلُّهُ وَ يَهْدِيهِ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ» - بر او مقرر شده که هر کس ولایتش را بر گردن نهد، بطور مسلم گمراهش می سازد، و به آتش سوزان راهنمایی می کند. (حج/۴) همچنین است حال کسانی که منافق و بیمار دل اند: «... وَ لَيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ...» و بیمار دلان و کافران بگویند: خدا از این سخن چه منظوری دارد؟! آری این گونه خداوند هر کس را بخواد گمراه می سازد و هر کس را بخواد هدایت می کند....» (متثر/۳۱)

نتیجه این بحث که از زبان حضرت نوح بیان شده، سنت الهی در اضلال بی تقوایان و ستیزه گران با حق و عدالت و کفرانی است که نمی خواهند حق را بپذیرند.

یکی هفصد هزاران ساله طاعت
عجیتر آنکه از این ترك مامور
مر آن دیگر زمنهی گشت ملعون
چه بود اندر ازل ای مرد نا اهل

بجا آورد و کردش طوق لعنت
شد از الطاف حق مرحوم مغفور
زهی فعل تو بی چند و چه و چون
که این باشد محمد آن ابوجهل

« مِمَّا خَطَبَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأَذَلُّوا نَارًا ... » همچنان که برخی مؤمنین بی حساب وارد بهشت می شوند برخی از اعمال باعث می شود مجرمین بی حساب وارد جهنم شوند . برخی از ما دیگران را جهنمی و خود را بهشتی می دانیم در حالی که ممکن است خودمان از آن دسته ای باشیم که بی حساب وارد جهنم می شوند: «شیخ صدوق (ره)» در روایتی از پیامبر (ص) آورده است: « خداوند متعال همه خلائق را محاسبه می کند، مگر کسی که به خدا شرک آورد پس او را بدون حساب به سوی جهنم می برند. » (حق الیقین، ص ۳۰۳) چرا که اعمال وقتی ثمربخش است که با اعتقاد به توحید همراه باشد، بدون آن هیچ عملی فایده بخش نیست. شرک طوفانی است که اعمال آدمی را متلاشی می سازد و با خود می برد. « مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ - مثل اعمال کسانی که به خدا کافر شدند به خاکستری می ماند که در روز تند باد شدید همه به باد فنا رود، که از همه کوشش خود هیچ نتیجه نبرند. این همان ضلالت (و حسرت) دور (از طریق نجات) است. » (ابراهیم/۱۸)

امام صادق (ع) فرمود: « ثَلَاثَةٌ يُدْخِلُهُمُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَ ثَلَاثَةٌ يُدْخِلُهُمُ اللَّهُ النَّارَ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَأَمَّا الَّذِينَ ... - خداوند سه گروه را بدون حساب وارد بهشت می کند و سه گروه را بدون حساب وارد آتش می کند، اما آنها که خداوند بدون حساب آنها را وارد بهشت می کند، رهبر دادگستر و بازرگان درستکار و پیرمردی است که عمر خود را در اطاعت خداوند به سر برده است. و اما آن سه گروهی که خداوند بدون حساب آنها را وارد آتش می کند، رهبر ستمگر و بازرگان دروغگو و پیرمرد زناکارند. » (الخصال ج ۱ ص ۸۰)

گر ز آتش صورت فعل بدست
مالك دوزخ قوای نفسی است

روح را از وی عذاب سرمد است
مانع لذات روح قدسی است

« ... فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا » پیشوایان گمراهی که گفتند: هرگز [بت های] ودّ و سواع و یغوث و یعوق و نسر را رها نکنید و آنان که قبله آمل و توجهاتشان را غیر خدا قرار دادند، بالآخره کسانی که ادعای مسلمانی دارند و به خیال خود موحدند اما در عمل مانند مادی گرایان زندگی می کنند، و همه ما که غیر خداوند در زندگی مان حکمرانی می کند، باید به عاقبت کار خود بیندیشیم. ثقه الاسلام کلینی در کافی شریف از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است: که در حدیث قدسی خدای متعال فرمود: « وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي وَ مَجْدِي وَ اِرْتِفَاعِي عَلَى عَرْشِي لَا قُطْعَنَ أَمَلٍ كُلِّ مُؤْمِلٍ [مِنَ النَّاسِ] غَيْرِي بِالْيَأْسِ ... - امام صادق علیه الصلوة و السلام فرمود که خدای تعالی می فرماید: به عزّت و جلال و بزرگواری و جایگاه مرتفع عرشم سوگند که امید هر کسی را که به جز من امیدوار باشد، حتماً و حتماً نا امید خواهم کرد و لباس مذلت و خواری در نزد مردم را حتماً و حتماً به او خواهم پوشانید و او را از نزدیک شدن به بارگاهم (از وصال خود) حتماً و حتماً دور می کنم ، چرا در سختی ها، جز مرا آرزو می کند؟! و حال آن که سختی ها همه به دست من است و او به جز من امید بسته! و در خانه غیر مرا می زند؟! و حال آن که کلید درهای بسته به دست من است و درخانه من به روی هر کس که مرا بخواند باز است؛ و کیست آن که در مصیبت هایش مرا آرزو کرد و من رشته اتصال او را با خودم در آن مصیبت ها بُردیم؟! و کیست آن که در مقصودی که داشت، امید به من بست و من امیدش را قطع کردم؟! نگهداری آرزوهای بندگانم را خودم به عهده گرفتم، ولی آنان به نگهداری من راضی نشدند! و آسمان هایم را از فرشتگانی که از تسبیح خوانی من ملالتی به خود راه نمی دهند، پُر کردم و دستورشان دادم که درهای میان من و بندگانم را نبندند، ولی بندگانم

به گفته من اعتماد نکردند! آن کس که مصیبتی از مصیبت‌هایش، شب هنگام به سراغش می‌آید، مگر نمی‌داند که به جز من هیچ کس مالک بر برطرف نمودن آن، مصیبت نیست؟! آیا بنده من، نمی‌بیند که پیش از سؤال کردن، به او عطا کرده‌ام، چگونه از من سؤال کند (بخواهند)، اجابتش نکنم؟! مگر من بخيلم که بنده من، مرا به بخل نسبت دهد؟! مگر بخشایش و کرم از آن من نیست؟! مگر گذشت و رحمت به دست من نیست؟! مگر من محل آرزوها نیستم؟! پس چه کسی رشته آرزوها را به جز من می‌تواند قطع کند؟! آنان که آرزو می‌کنند، آن گاه من به هر یک از آنان، به اندازه آن چه همگی آرزو دارند بدهم، به قدر ذره‌ای از ملک [دارایی] من کم نمی‌شود؛ و چگونه ممکن است کم شود ملکی را که من خودم قیم و بر پا دارنده آن هستم؟! پس بدا به حال آنان که از رحمت من ناامیداند، و بدا به حال آن که معصیت مرا کند و احترامم را نگه ندارد!» (اصول کافی / ج ۳، ص ۱۰۹)

همسایه و همنشین و همراه همه اوست در انجمن فرق و نهانخانه جمع
در دلق گدا و اطلس شه همه اوست
بالله همه اوست ثم بالله همه اوست

«وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا...» «برخی کافران مستضعف هستند یعنی حرف حق به آن‌ها نرسیده و حقانیت اسلام و دین الهی برایشان ثابت نشده یا حجت بر آن‌ها تمام نشده است؛ اما برخی معاند هستند؛ با این‌که حقانیت دین الهی برایشان ثابت شده است، بر کفر خود پافشاری و اصرار دارند. حضرت نوح دعا برای نابودی کفار را در آخرین مرحله، بعد از یأس از قبول دعوتش از سوی آنها قرار داده بود؛ «آخر الدواء الكي - آخرین مرهم داغ نهادن است.» (نهج البلاغه، خ ۱۶۸) یعنی در وقت ضرورت، آنگاه که روش‌های دیگر مؤثر واقع نمی‌شود اقدام به داغ نهادن می‌کنند.

هر کجا داغ بایدت فرمود چون تو مرهم نهی ندارد سود

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «حضرت نوح (علیه السلام) در میان قومش سیصدسال باقی ماند و آن‌ها را به‌سوی خدا دعوت کرد ولی دعوت او را اجابت نکردند؛ از این‌رو تصمیم گرفت آن‌ها را نفرین کند. هنگام طلوع خورشید دوازده‌هزار گروه از انواع فرشتگان آسمان دنیا نزد او آمدند و آن‌ها بزرگان ملائکه بودند. نوح (علیه السلام) به آن‌ها گفت: «شما چه کسانی هستید؟» گفتند: «ما دوازده‌هزار گروه از انواع فرشتگان آسمان دنیا هستیم و پهنای مسافت آسمان دنیا [راه] پانصد سال است و از آسمان دنیا تا دنیا مسافت پانصد سال است و ما هنگام طلوع خورشید خارج شدیم و در این وقت نزد تو آمدیم و از تو درخواست می‌کنیم که قومت را نفرین نکنی.» نوح (علیه السلام) گفت: «سیصدسال به آن‌ها مهلت دادم». هنگامی‌که ششصد سال تمام شد و آن‌ها ایمان نیاوردند، نوح (علیه السلام) تصمیم گرفت که آن‌ها را نفرین کند. دوازده‌هزار گروه از انواع فرشتگان آسمان دوم نزد او آمدند. نوح (علیه السلام) گفت: «شما چه کسانی هستید؟» گفتند: «ما دوازده‌هزار گروه از انواع فرشتگان آسمان دوم هستیم و پهنای آسمان دوم، مسافت پانصد سال است و از آسمان دوم تا آسمان دنیا مسافت پانصد سال است و پهنای آسمان دنیا مسافت پانصد سال است و از آسمان دنیا تا دنیا مسافت پانصد سال است. هنگام طلوع آفتاب خارج شدیم و هنگام بلندشدن روز و بالاآمدن خورشید نزد تو آمدیم. از تو درخواست می‌کنیم که قومت را نفرین نکنی.» نوح (علیه السلام) گفت: «به آن‌ها سیصد سال مهلت دادم». هنگامی‌که نهصد سال تمام شد و ایمان نیاوردند، تصمیم گرفت آنها را نفرین کند؛ پس خدای عزوجل نازل فرمود: که «جز آن‌ها که [تاکنون] ایمان آورده‌اند، دیگر هیچ‌کس از قوم تو ایمان نخواهد آورد! پس، از کارهایی که می‌کردند، غمگین مباش!» نوح گفت: «پروردگار! هیچ‌کس از کافران را بر روی زمین باقی مگذار! چرا که اگر آن‌ها را باقی بگذاری، بندگان را گمراه می‌کنند و جز نسلی فاجر و کافر به دنیا نمی‌آورند.» (بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۳۱۰)

هر که اندر عشق یابد زندگی
کفر باشد پیش او جز بندگی

«... إِنَّكَ إِنْ تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا» برخی آیات و روایت، در مسأله «وراثت صفات» بسیار لحن هشدار دهنده‌ای دارد؛ خدای سبحان می‌فرماید: «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَكِذَا ...» (الأعراف/۵۸) از منظر اسلام صفات و خصوصیات منتقله از طریق وراثت از حد اقتضاء تجاوز نمی‌کند؛ و تا حدی نیست که اختیار عمل را از انسان سلب کند. «قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ...» بگو: هر کس طبق روش (و خلق و خوی) خود عمل می‌کند...» (الإسراء/۸۴)

مادر این دهلیز قاضی قضا
چون بلی گفتیم آن را ز امتحان

بهر دعوی الستیم و بلی
قول و فعل ما شهود است و بیان

رسول گرامی اسلام (ص) فرمود: «أَنْظُرْ فِي آيِ نَصَابٍ تَضَعُ وَلَدَكَ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ- بنگر فرزند خود را (نطفه) کجا قرار می‌دهی که عرق پنهانی تأثیر می‌گذارد» (الهندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۵: ۸۵۵ و قضاعی، ۱۳۶۱: ۳۰۹) مقصود از دساس بودن عرق این است که خصوصیات اخلاق والدین را به طور پنهانی به فرزندان منتقل می‌کند. محمد حنفیه در جنگ جمل علمدار لشکر بود، ولی گویا ترسیده بود، چرا که در حمله به سپاه جمل اندیشه می‌کرد. علی (ع) پیش او آمد و علت حمله نکردن او را جویا شد. او گفت در پیش رویم به جز تیراندازان که تیر می‌اندازند، کسی را نمی‌بینم. علی (ع) با دسته شمشیر به او زد و فرمود: «مَا أَدْرَكَكَ عِرْقٌ مِنْ أَبِيكَ- این عرق از پدرت به تو نرسیده است» (المدنی، ۱۴۲۰ق: ۱۴۱) کلام امام در شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید به گونه دیگری آمده است: «أَدْرَكَكَ عِرْقٌ مِنْ أُمِّكَ- این عرق از مادرت به تو رسیده است» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۲۴۳) به همین علت است که حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «تَخَيَّرُوا لِلرَّضَاعِ كَمَا تَخَيَّرُونَ لِلنِّكَاحِ، فَإِنَّ الرِّضَاعَ يُغَيِّرُ الطَّبَاعَ- برای شیر دادن به کودک، مرضعه صالحه و خوب اختیار کنید، چنانچه در ازدواج و انتخاب همسر دقت می‌کنید؛ زیرا شیر طبیعت بچه را تغییر می‌دهد.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۶۸) گر تو آدمزاده هستی "عَلَّمَ الْأَسْمَاءَ" چه شد؟ "قَابَ قَوْسَيْنِ" کجا رفته است؟ "وَأَوْدَنِي" چه شد؟

«رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا» همان‌طور که در ابتدای این سوره گفته شد محور بحث چگونگی تحصیل ایمان و مقتضای آن است که به تفصیل بیان شده. گام‌های تحصیل ایمان از پشیمانی و ندامت از خطاها و گناهان و طلب بخشش از پروردگار شروع شده و در ادامه برای توفیق در پیمودن این راه، باید طلب بخشش برای پدر و مادر که تحصیل رضایت آنها از لوازم حتمی سعادت است، صورت گیرد. گفته شد که حقوق پدر و مادر معنوی انسان به مراتب از حقوق پدر و مادری که از آنها متولد شده است فراتر و مقدم بر آن است. امام علی (ع) فرمود: «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ ... - شنیدم از رسول خدا که می‌فرمود: من و علی پدران این امت هستیم و حق ما بر آنان از حق پدرانشان که آنان را به دنیا آورده‌اند، بیشتر است زیرا ما آنان را در صورت اطاعت، از آتش جهنم نجات داده و به قرارگاه ابدی (بهشت جاوید) می‌بریم و به واسطه عبودیت خدا، به برگزیدگان آزاده ملحق می‌سازیم» (بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۵۹) محمد حلبی از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که درباره آیه: رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا فرمود: «یعنی ولایت. هرکس داخل در ولایت شد، داخل در بیت انبیاء (علیهم السلام) شده است. و فرمایش خداوند متعال: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا- خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.» (احزاب/۳۳) یعنی، ائمه (علیهم السلام) و ولایت آن‌ها؛ هرکس داخل در آن شد، داخل در بیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) شده است.» (الکافی، ج ۱، ص ۴۲۳) در قرآن می‌خوانیم که خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ

النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا- کسی که مطیع خدا و رسول او باشد [در رستاخیز] همنشین کسانی خواهد بود که خدا نعمت خود را بر آنان تمام کرده است یعنی (پیامبران، راستگویان، شهیدان و صالحان و اینان رفیق های خوبی هستند)» (نساء/۶۹) معاشران و همنشینان خوب و با ارزش به قدری اهمیت دارد که حتی در عالم آخرت برای تکمیل نعمت های بهشتی، این نعمت بزرگ به «مطیعان» ارزانی می گردد و آنها علاوه بر همه افتخارات، همنشینی همچون پیامبران، صدیقان و شهیدان و صالحان خواهند داشت. «اللَّهُمَّ اَلْهَمْنَا طَاعَتَكَ ، وَجَنَّبْنَا مَعْصِيَتَكَ ، وَبَسِّرْ لَنَا بُلُوغَ مَا نَتَمَنَّى مِنْ اِبْتِغَاءِ رِضْوَانِكَ ، وَاحْلِلْنَا بُحْبُوحَةَ جَنَّاتِكَ... - خدایا، فرمانبری ات را به ما الهام فرما و ما را از نافرمانیت دور کن و راه رسیدن به آنچه از خشنودی ات آرزومندیم آسان کن و ما را در میان بهشت هایت جای ده ...» (مناجات خمس عشر - مناجات مطیعین)

طاعت و اوراد با روی و ریا	گشت زقوم و حمیم اندر جزا
صورت عدلست میزان و صراط	بر صراط حق گذر با احتیاط
شد عبادتها و طاعات ای پسر	آن طعام و شربت همچون شکر

وصلی الله علی محمد وآله